info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۱۰
دوشنبه / ۱۳ امرداد / ۱۴۰۴
۱۰ / صفر / ۱۴۴۷
04 / August / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

برش

وقتی فرهنگ ایرانی به فراموشی سپرده می‌شود

از حنای بهشتی تا زخم تتو

جامعه ایرانی از هویت فرهنگی خود فاصله گرفته است. تتو و پیرسینگ که ریشه در فرهنگ‌های بیگانه دارند، در سال‌های اخیر با سرعت میان جوانان ایرانی رواج یافته‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مفت صبح، فیاد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، زنگ خطر را به صدا درآورده است. «تتو و پیرسینگ در شرایط غیربهداشتی می‌تواند ایدز و هپاتیت را منتقل کنند.» وی می‌گوید با افزایش تتو و پیرسینگ‌های غیربهداشتی، خطر انتقال ویروس ایدز و هپاتیت بالا رفته و پیش‌بینی می‌شود حدود ۴۰ هزار نفر در کشور مبتلا به ایدز باشند که از این تعداد تاکنون تقریباً ۲۵ تا ۲۶ هزار نفر شناسایی شده‌اند و بقیه ممکن است از ابتلای خود بی‌خبر باشند.

مدهای پرخطر یا نقش آرایش کهن

این هشدار نه فقط زنگ خطری برای سلامت جامعه است، بلکه تلنگری به غفلتی بزرگ‌تر است در جامعه‌ای که از سنت‌های دیرینه ایرانی‌اش فاصله گرفته و گرایش به مدهای پرخطر غربی را جایگزین آن کرده است. مگر در ایران با این تمدن کهن چندین‌هزار ساله مکتوب، راه و روشی برای آرایش و نقش و نگار مردمان وجود نداشته است که حالا برای فقدان آن سراغ روش‌های تهاجمی همچون تتو و پیرسینگ می‌رویم؟ چرا جوان ایرانی از آیین‌های زیبا فاصله گرفته و به روش‌های پرخطر روی آورده؟ مقصر این غفلت کیست؟

از مدهای پرخطر تا فراموشی سنت‌ها

هشدار قباد مرادی فقط به خطرات پزشکی تتو و پیرسینگ محدود نمی‌شود؛ این سخنان، بازتابی از واقعیتی تلخ‌تر است. جامعه ایرانی از هویت فرهنگی خود فاصله گرفته است. تتو و پیرسینگ که ریشه در فرهنگ‌های بیگانه دارند، در سال‌های اخیر با سرعت میان جوانان ایرانی رواج یافته‌اند.

این مدهای وارداتی که در ایران اغلب در محیط‌های غیربهداشتی انجام می‌شوند نه فقط سلامت جسمی را تهدید می‌کنند، بلکه نشانه‌ای از تهاجم فرهنگی‌اند که سنت‌های بومی را به حاشیه رانده‌اند. در این میان، حنا گیاهی که در فرهنگ ایرانی نماد شادی، زیبایی و سلامت بود، در سایه مدهای پرخطر کمرنگ شده است. چرا جوان ایرانی به جای حنا که بی‌خطر است و پس از چند هفته پاک می‌شود، به تتو روی می‌آورد که حذفش تقریباً غیرممکن است و می‌تواند بیماری‌های مرگبار را منتقل کند؟

پاسخ در غفلت نهادهای فرهنگی نهفته است. بی‌تردید جوانان مقصر نیستند چون الگویی برابر خود ندیده‌اند. در حالی که فرهنگ‌های دیگر توانسته‌اند غذاهایی مانند پیتزا، سوشی یا آیین‌هایی مانند یوگا را جهانی کنند، سنت‌های ایرانی، غذاهای ایرانی، حتی ورزش‌های ایرانی که حیات‌بخش و نقش‌نگاری با حنا فقط مشت نمونه خروار آن است حتی میان خود ایرانیان غریب مانده‌اند. این غفلت، نتیجه کم‌کاری نهادهایی است که وظیفه حفظ و بازآفرینی فرهنگ ایرانی را برعهده دارند.

حنا؛ میراثی از بهشت

حنا در فرهنگ ایرانی داستانی کهن دارد که ریشه‌هایش به عهد باستان بازمی‌گردد. این گیاه که در مصر باستان برای آرامش انگشتان فراعنه پیش از مومیایی کردن به کار می‌رفت، از ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد در افسانه‌های لوکاریت به عنوان زینتی برای عروسان یاد شده است.

در ایران، حنا از گذشته‌های دور، به ویژه در مناطق جنوبی مانند کرمان و هرمزگان، نه فقط برای زیبایی، بلکه به عنوان داروی شفابخش برای پوست و مو استفاده می‌شد. حکمای طب سنتی ایرانی از خواص حنا برای درمان سردرد، زخم‌های پوستی و خنک کردن بدن سخن گفته‌اند. در باور ایرانیان، حنا «از بهشت» است. نشانه‌ای از شادی و نیکبختی که با نقش‌های ظریفش، از خورشید، نخل و گل‌های پیچان جلوه‌گر می‌شد.

البته حنا بیش از یک گیاه و بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین است. نقوش ظریف حنا که بر وزگاری دست و پای عروسان را در آیین حنابندان می‌آراستند، بخش جدایی‌ناپذیر عروسی‌های ایرانی بود. این نقوش که زمانی با سوزن یا قیف‌های ساده خلق می‌شدند، داستانی از خلاقیت و هویت زنان ایرانی روایت می‌کردند. این میراث کهن که می‌توانست به نمادی جهانی از فرهنگ ایرانی تبدیل شود، در غفلت مسئولین فرهنگی به حاشیه رانده شده است.

غفلت فرهنگی

سخنان قباد مرادی هشداری پزشکی است، اما ریشه مشکل فراتر از مسائل بهداشتی است. نهادهای فرهنگی باید این سنت‌های زیبا را برای نسل جدید بازآفرینی کنند. چرا حنا که می‌توانست ملانند یوگای هندی یا سوشی ژاپنی به برندی جهانی تبدیل شود، حتی در میان ایرانیان کمرنگ شده است؟

بازآفرینی سنت؛ راهی برای نجات هویت و سلامت

گرچه راه‌های افزایش ویروس ایدز، تنها اقدامات غیربهداشتی و پرخطری چون تتو نیست اما در جامعه‌ای که آمار ایدز هیچ‌گاه شفاف نبوده است و مسئولان حتی درصد مبتلایان این بیماری را از راه‌های مختلف دقیق اعلام نمی‌کنند، هشدار افزایش آمار آن هم با یکی از شیوه‌های زیبایی عجیب به نظر می‌رسد.

در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد برای دور کردن جامعه از خطراتی مانند افزایش ویروس ایدز از طریق تتوهای غیربهداشتی، به جای هشدارهای پزشکی و اعلام آمار نگران‌کننده باید به ریشه‌های فرهنگی خود بازگردیم. حنا می‌تواند یلی بین سنت و مدرنیته باشد. نهادهای فرهنگی باید با خلاقیت، این میراث را به زبانی امروزی بازگو کنند.

گزارش روز

درباره خانواده‌هایی که در روزهای جنگ میزبان نوزادان شیرخوارگاه آمنه شدند

جان‌پناه

فیلم کوتاهی در فضای مجازی منتشر شد. فیلم روایت کسانی است که در روزهای تهاجم رژیم صهیونیستی علیه کشورمان در کمترز از نیم‌ساعت، نوزادان شیرخوارگاه آمنه را به مکانی امن منتقل می‌کنند تا انتقال کودکان همه ماجرانیست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، فیلم کوتاهی در فضای مجازی منتشر شد. فیلم روایت کسانی است که در روزهای تهاجم رژیم صهیونیستی علیه کشورمان در کمتر از نیم‌ساعت، نوزادان شیرخوارگاه آمنه را به مکانی امن منتقل می‌کنند تا انتقال کودکان همه ماجرانیست.

مدهای پرخطر یا نقش آرایش کهن

این هشدار نه فقط زنگ خطری برای سلامت جامعه است، بلکه تلنگری به غفلتی بزرگ‌تر است در جامعه‌ای که از سنت‌های دیرینه ایرانی‌اش فاصله گرفته و گرایش به مدهای پرخطر غربی را جایگزین آن کرده است. مگر در ایران با این تمدن کهن چندین‌هزار ساله مکتوب، راه و روشی برای آرایش و نقش و نگار مردمان وجود نداشته است که حالا برای فقدان آن سراغ روش‌های تهاجمی همچون تتو و پیرسینگ می‌رویم؟ چرا جوان ایرانی از آیین‌های زیبا فاصله گرفته و به روش‌های پرخطر روی آورده؟ مقصر این غفلت کیست؟

از مدهای پرخطر تا فراموشی سنت‌ها

هشدار قباد مرادی فقط به خطرات پزشکی تتو و پیرسینگ محدود نمی‌شود؛ این سخنان، بازتابی از واقعیتی تلخ‌تر است. جامعه ایرانی از هویت فرهنگی خود فاصله گرفته است. تتو و پیرسینگ که ریشه در فرهنگ‌های بیگانه دارند، در سال‌های اخیر با سرعت میان جوانان ایرانی رواج یافته‌اند.

این مدهای وارداتی که در ایران اغلب در محیط‌های غیربهداشتی انجام می‌شوند نه فقط سلامت جسمی را تهدید می‌کنند، بلکه نشانه‌ای از تهاجم فرهنگی‌اند که سنت‌های بومی را به حاشیه رانده‌اند. در این میان، حنا گیاهی که در فرهنگ ایرانی نماد شادی، زیبایی و سلامت بود، در سایه مدهای پرخطر کمرنگ شده است. چرا جوان ایرانی به جای حنا که بی‌خطر است و پس از چند هفته پاک می‌شود، به تتو روی می‌آورد که حذفش تقریباً غیرممکن است و می‌تواند بیماری‌های مرگبار را منتقل کند؟

پاسخ در غفلت نهادهای فرهنگی نهفته است. بی‌تردید جوانان مقصر نیستند چون الگویی برابر خود ندیده‌اند. در حالی که فرهنگ‌های دیگر توانسته‌اند غذاهایی مانند پیتزا، سوشی یا آیین‌هایی مانند یوگا را جهانی کنند، سنت‌های ایرانی، غذاهای ایرانی، حتی ورزش‌های ایرانی که حیات‌بخش و نقش‌نگاری با حنا فقط مشت نمونه خروار آن است حتی میان خود ایرانیان غریب مانده‌اند. این غفلت، نتیجه کم‌کاری نهادهایی است که وظیفه حفظ و بازآفرینی فرهنگ ایرانی را برعهده دارند.

حنا؛ میراثی از بهشت

حنا در فرهنگ ایرانی داستانی کهن دارد که ریشه‌هایش به عهد باستان بازمی‌گردد. این گیاه که در مصر باستان برای آرامش انگشتان فراعنه پیش از مومیایی کردن به کار می‌رفت، از ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد در افسانه‌های لوکاریت به عنوان زینتی برای عروسان یاد شده است.

در ایران، حنا از گذشته‌های دور، به ویژه در مناطق جنوبی مانند کرمان و هرمزگان، نه فقط برای زیبایی، بلکه به عنوان داروی شفابخش برای پوست و مو استفاده می‌شد. حکمای طب سنتی ایرانی از خواص حنا برای درمان سردرد، زخم‌های پوستی و خنک کردن بدن سخن گفته‌اند. در باور ایرانیان، حنا «از بهشت» است. نشانه‌ای از شادی و نیکبختی که با نقش‌های ظریفش، از خورشید، نخل و گل‌های پیچان جلوه‌گر می‌شد.

البته حنا بیش از یک گیاه و بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین است. نقوش ظریف حنا که بر وزگاری دست و پای عروسان را در آیین حنابندان می‌آراستند، بخش جدایی‌ناپذیر عروسی‌های ایرانی بود. این نقوش که زمانی با سوزن یا قیف‌های ساده خلق می‌شدند، داستانی از خلاقیت و هویت زنان ایرانی روایت می‌کردند. این میراث کهن که می‌توانست به نمادی جهانی از فرهنگ ایرانی تبدیل شود، در غفلت مسئولین فرهنگی به حاشیه رانده شده است.

غفلت فرهنگی

سخنان قباد مرادی هشداری پزشکی است، اما ریشه مشکل فراتر از مسائل بهداشتی است. نهادهای فرهنگی باید این سنت‌های زیبا را برای نسل جدید بازآفرینی کنند. چرا حنا که می‌توانست ملانند یوگای هندی یا سوشی ژاپنی به برندی جهانی تبدیل شود، حتی در میان ایرانیان کمرنگ شده است؟

بازآفرینی سنت؛ راهی برای نجات هویت و سلامت

گرچه راه‌های افزایش ویروس ایدز، تنها اقدامات غیربهداشتی و پرخطری چون تتو نیست اما در جامعه‌ای که آمار ایدز هیچ‌گاه شفاف نبوده است و مسئولان حتی درصد مبتلایان این بیماری را از راه‌های مختلف دقیق اعلام نمی‌کنند، هشدار افزایش آمار آن هم با یکی از شیوه‌های زیبایی عجیب به نظر می‌رسد.

در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد برای دور کردن جامعه از خطراتی مانند افزایش ویروس ایدز از طریق تتوهای غیربهداشتی، به جای هشدارهای پزشکی و اعلام آمار نگران‌کننده باید به ریشه‌های فرهنگی خود بازگردیم. حنا می‌تواند پلی بین سنت و مدرنیته باشد. نهادهای فرهنگی باید با خلاقیت، این میراث را به زبانی امروزی بازگو کنند.

دیدگاه

حمایت یا ژست دیپلماتیک؟

در همین راستا برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه اعلام کرده‌اند که آماده‌گی دارند کشور مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسند. اگرچه این اقدام در ظاهر می‌تواند گامی مثبت در جهت حمایت از حقوق تاریخی مردم فلسطین تلقی شود، اما در عمل باید توجه داشت که به‌رسمیت شناختن فلسطین از سوی چند کشور اروپایی، بدون پشتوانه‌ای از سوی نهادهای بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل، اثرگذاری چندانی نخواهد داشت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان ملی، تحولات اخیر در نوار غزه و استمرار جنایات رژیم صهیونیستی، افکار عمومی جهانی به‌ویژه در اروپا را بیش از پیش نسبت به سیاست‌های دوگانه کشورهای غربی در قبال مسئله فلسطین حساس کرده است. بسیاری از دولت‌های اروپایی که تا پیش از این در برابر جنایات‌های صورت‌گرفته علیه مردم بی‌دفاع فلسطین یا سکوت کرده بودند یا صرفاً به بیانیه‌های بی‌اثر بسنده می‌کردند، اکنون برای کاهش فشار افکار عمومی به سمت تغییر موضع در قبال فلسطین گام برمی‌دارند.

در همین راستا، برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه اعلام کرده‌اند که آماده‌گی دارند کشور مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسند. اگرچه این اقدام در ظاهر می‌تواند گامی مثبت در جهت حمایت از حقوق تاریخی مردم فلسطین تلقی شود، اما در عمل باید توجه داشت که به‌رسمیت شناختن فلسطین از سوی چند کشور اروپایی، بدون پشتوانه‌ای از سوی نهادهای بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل، اثرگذاری چندانی نخواهد داشت. تا زمانی که شورای امنیت سازمان ملل به‌صورت رسمی و با اجماع اعضای دائم و غیر دائم، کشور مستقل فلسطین را به رسمیت نشناسد و آن را به عنوان یک عضو رسمی سازمان ملل بپذیرد، این دست اقدامات بیشتر جنبه نمادین و تبلیغاتی خواهد داشت. از سوی دیگر، اقدام فرانسه با واکنش برخی بازیگران بین‌المللی از جمله دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مواجه شده است. ترامپ نسبت به احتمال چنین اقدامی از سوی پاریس موضع‌گیری منفی داشته و آن را مغایر با متافع متحد اصلی خود یعنی رژیم صهیونیستی دانسته است. در نتیجه به نظر می‌رسد هرچند موضع جدید فرانسه و برخی کشورهای اروپایی ممکن است گامی به جلو در حمایت از ملت فلسطین تلقی شود، اما در شرایط کنونی این اقدامات بیشتر تلاشی برای تطهیر چهره سیاسی دولت‌های غربی در برابر افکار عمومی است تا حرکت واقعی در مسیر احقاق حقوق فلسطینیان. اثرگذاری این روند زمانی تضمین خواهد شد که نهادهای بین‌المللی نیز با آن همسو شده و از آن حمایت عملیاتی کنند.

حسین کنعانی مقدم
کارشناس روابط بین‌الملل

مکث

دومینوی جهانی علیه اسرائیل!

متشنر شده است. نتانیاهو با محکوم کردن این اقدام، آن را «جایزه دادن به تروریسم» عنوان کرد در بیانیه، نتانیاهو آمده بود: «من تصمیم مکرون برای به رسمیت شناختن دولتی فلسطینی در کنار آویو را در پی کشتار هفتم اکتبر به شدت محکوم می‌کنم.» نتانیاهو در ادامه مدعی شد: «یک دولت فلسطینی در این شرایط، سکویی برای نابودی اسرائیل خواهد شد.» نه آنکه بخواهد در صلح و آرامش در کنار اسرائیل زندگی کند. بیایید شفاف باشیم. فلسطینی‌ها به دنبال ایجاد [یجاد] دولتی در کنار اسرائیل نیستند. آن‌ها به دنبال ایجاد یک دولت بجای اسرائیل هستند.»

استارمر: بریتانیا فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت

اما پس از اقدام رئیس جمهور فرانسه که از به رسمیت شناختن دولت فلسطین سخن گفت در تازه‌ترین تحول، «کی یر استارمر»، نخست وزیر بریتانیا نیز از به رسمیت شناختن مشروط دولت فلسطین گفت. طبق گزارش الجزیره، «کی یر استارمر»، نخست‌وزیر بریتانیا روز سه‌شنبه خطاب به اعضای کابینه خود گفت بریتانیا تا ماه سپتامبر دولت فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت؛ مگر آن که «اقدام‌هایی ماهوی» برای پایان جنگ در غزه فراهم نشده و به روند پایدار صلح تبدیل نشود. بنابریانیه دولت بریتانیا که پس از نشست اضطراری کابینه در روز سه شنبه صادر شد، استارمر گفت این اقدام می‌تواند در برابر مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک انجام شود مگر آنکه اسرائیل با آتش بس موافقت کرده و طرح‌ها برای الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری را متوقف کرده و از مسیر سیاسی در قبال راه‌حل تشکیل دو دولت (اسرائیل و فلسطین) حمایت کند.

راهی که پیشتر اسپانیا، نروژ و ایرلند در فقه‌اند

البته راهی که امروز در اعتراضات به جنایات اسرائیل از سوی فرانسه و بریتانیا آغاز شده، پیشتر از سوی کشورهای اروپایی نظیر نروژ، ایرلند و اسپانیا کلید اواخر ماه مه سال گذشته میلادی بود که رسانه‌های خبری از جمله سرویس جهانی بی‌بی‌سی اعلام کردند در تلاش برای متوجه کردن نگاه‌ها برای پیدا کردن راه حلی سیاسی برای جنگ خاورمیانه، اسپانیا، ایرلند و نروژ به طور رسمی دولت فلسطین را به رسمیت شناختند.

بی‌بی‌سی همان زمان اعلام کرد این کشورها امید دارند با همکاری همدیگر دیگر کشورهای اروپایی را تشویق کنند تا این کار را پیگیری کرده و با اقدامی دیپلماتیک، یک آتش‌بس را در غزه تضمین کرده و سبب آزادی گروگان‌ها شوند.

این رسانه بریتانیایی آن زمان نوشته بود اقدام این سه کشور در به رسمیت شناختن فلسطین، فشارهای دیپلماتیک را بر اسرائیل افزایش خواهد داد.

وزیر خارجه فرانسه: ۱۵ کشور خواهان به رسمیت شناختن فلسطین شده‌اند

در همین حال «لجزیره مباشر» اعلام کرد «جان نوئل بارو»، وزیر خارجه فرانسه گفته است ۱۵ کشور در نیویورک، درخواستی همگانی را که داده‌اند و قصد دارند تا کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند. این در حالی است که این ۱۵ کشور از کشورهای بیشتری نیز می‌خواهند که به این کارزار بپیوندند.

بی‌بی‌سی نیز در خبری با عنوان «فشارها برای به رسمیت شناختن دولت فلسطین و پایان جنگ غزه در سازمان ملل رو به افزایش است» نوشت: «فرانسه و ۱۴ کشور غربی دیگر، از کشورهای سرتاسر جهان خواسته‌اند تا دولت فلسطین را به رسمیت بشناسند»

ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه می‌گوید کشورش در حال صدور «طرح‌هایی جامع» با دیگر کشورها در طول کنفرانس جاری سازمان ملل در نیویورک به منظور اجرای راه حل دو دولتی است.

ژان نوئل بارو گفت: «ما تمایل خود را برای به رسمیت شناختن دولت فلسطین و دعوت از طرف‌هایی که هنوز دست به این کار نزده‌اند برای آن که به ما ملحق شوند، اعلام می‌کنیم».

حال با این اوصاف باید در روزها و ماه‌آتی منتظر بمانیم تا کشورهای بیشتری به منظور فشار بر اسرائیل و پایان دادن به جنگ فرسایشی غزه، دولت فلسطین را به رسمیت شناخته و از راه حل دو دولتی حمایت کنند؛ اقدامی که شاید سبب شود جلوی فاجعه انسانی در غزه را اندکی بگیرد.

محمد حسن خلیلی

برگه

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۴۱	۰۵:۱۷	۱۲:۱۲	۱۹:۰۶	۱۹:۲۶

او هست و هیچ نیست جز او
هرچه هست از اوست
زاهد تو را ز لا و لا چه
حاجت است

بلند اقبال

امروز با حافظ

در کارخانه‌ای که رَهِ عقل و فضل نیست
فهم ضعیفُ رایِ فضولی چرا کند؟
مطرب بساز پرده که کس بی‌اجلّ نمرد
وان کو نه این ترانه سُراید خطا کند

برگه

در پایان، تعداد سال‌های زندگی‌تان اهمیتی ندارد. آنچه مهم است، زندگی جاری در خلال این تعداد سال‌هاست...

آبراهام لینکلن

اشاره

کدام پیش بینی‌های «نوستراداموس» واقعا اتفاق افتادند؟

مدت‌ها پیش از پیشگویی‌های اروپایی که در شبکه‌های اجتماعی رونق دارند، «نوستراداموس» اروپا را با پیشگویی‌های عجیب و گاه ترسناک خود مجذوب کرده بود. اما زندگی شخصی این پزشک طاعون و ستاره‌شناس فرانسوی نیز به اندازه پیش‌بینی‌هایش جالب بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فردیمد، چه چیزی در آینده رخ خواهد داد و دنیا چگونه به پایان می‌رسد؟ این‌ها پرسش‌هایی وسوسه‌انگیز هستند پرسش‌هایی که نوستراداموس، پزشک و پیش‌گوی خود را مشغول قرن شانزدهم، مدعی بود پاسخ آن‌ها را می‌داند. پیش‌بینی‌های گیج‌کننده و گاه ترسناک او، طی قرن‌ها پیروانی یافتند که باور داشتند این پیش‌گویی‌ها هنوز هم حقیقت دارند. پیشگویی‌های نوستراداموس درباره سال ۲۰۲۵ جنگ‌های طولانی، شیوع طاعون و گویی آتشین است که ممکن است زمین را نابود کند.

در واقع، نوستراداموس، به قدری در پیشگویی مشهور بود که یکی از نخستین استفاده‌های تبشه‌دار واژه «پیش‌بینی» (prognostication) در زبان انگلیسی به سال ۱۶۷۳ و نام او را می‌گرد. اما مردی که برخی او را پیامبر تصور می‌کردند، هیچ قدرت الهی نداشت. او پزشک واقعی، عطار و نویسنده فرانسوی بود که در هیاهوی رنسانس اروپا با پیش‌بینی‌های جسورانه‌اش به شهرت رسید.

نوستراداموس که بود؟

«میشل دو نوستراداموس» در دسامبر ۱۵۰۳ در شهر سن-رمی-دو-پروانس فرانسه به دنیا آمد. (تاریخ دقیق تولد او مورد بحث است) پدرش فرزند یک منشی رسمی و مادرش دختر یکی از پزشکان برجسته منطقه بود. نوستراداموس دو بار ازدواج کرد و هشت فرزند داشت.

فرانسه دوران رنسانس، مانند دیگر نقاط اروپا درگیر نزاع‌های مذهبی بود که اثر زیادی بر زندگی او گذاشت. خانواده نوستراداموس یهودی بودند اما پس از آنکه پروتستان در سال ۱۴۸۶ بخشی از قلمرو پادشاهی فرانسه شد، به کاتولیسیسم گرویدند. بنابراین میشل در خانواده‌ای کاتولیک بزرگ شد. او از نوجوانی زبان‌های آرامی، یونانی، عبری و پزشکی آموخت و در دانشگاه آوینیون به تحصیل پرداخت. مدرک کارشناسی خود در پزشکی را در حدد ۱۵۲۰ گرفت. اگرچه همان زمان به دلیل شیوع طاعون، دانشگاه تعطیل شد.

پزشک طاعون و دادگاه تفتیش عقاید

نوستراداموس پس از پایان تحصیلاتش، در فرانسه سفر کرد و به مطالعه گیاهان دارویی و درمان بیماران مبتلا به طاعون پرداخت. این بیماری، آن زمان از ترسناک‌ترین بیماری‌ها به شمار می‌رفت. از دید برخی مورخان او در دانشگاه مونپلیه اخراج شد، زیرا پیش‌تر به عنوان عطار فعالیت کرده بود. در این که آیا بعدها توانست مدرک دکتری کامل دریافت کند یا نه، اختلاف نظر وجود دارد.

پزشکی در دوران رنسانس درمان‌هایی را شامل میشد که امروزه هیچ بخشمار نمی‌روند. مانند کیمیاگری، ستاره‌بینی و پیشگویی. این روش‌ها نتوانستند همسر اول او و دو فرزندش را نجات دهند؛ آن‌ها در دحه ۱۵۳۰ احتمالاً بر اثر طاعون جان باختند.

سال ۱۵۳۸، نوستراداموس به‌دلیل انتقاد از ساخت یک مجسمه مذهبی به کفرگویی متهم شد و به دادگاه تفتیش عقاید کشانده شد. درصورت محکوم شدن، ممکن بود اعدام شود. اما تبرئه شد و دچاره سفرهایش را آغاز کرد و به‌طور تخصصی به درمان طاعون پرداخت.

موفقیت برخی از روش‌های درمانی او مانند نوشیدن آب تمیز، احتمالاً به رعایت بهداشت متکی بود. برخی دیگر شامل استفاده از گیاهان و گل‌های مانند قرص‌های گل رز مسدید. این روش‌ها علمی تلقی نمی‌شدند. اما بیماران به قدری از نتایج برخی بودند که شهرت او را گسترش دادند. در دهه‌های بعد، کار و نوشته‌های او توجه مقامات را هم جلب کرد.

پیش‌گویی‌های شاعرانه نوستراداموس

نوستراداموس، از دهه ۱۵۵۰ انتشار ساتله‌هایی را آغاز کرد که در آن‌ها پیش‌بینی‌هایی درباره وقایع و وضعیت آینده‌جوها در سال آینده را درج می‌کرد. این انتشارات ارزان و محبوب با زبان شاعرانه و مرموزی که داشتند، شهرت او را بیشتر کردند.

سال ۱۵۵۵، نوستراداموس پیش‌بینی کرد «شیر جوانی» در میدان نبرد کشته خواهد شد. بسیاری آن را شاره به شاه هنری دوم فرانسه می‌دانستند. سال بعد، همسر هنری، کاترین مدیچی، ملکه فرانسه به همراه پسرش، شارل نهم به دیدار این پیشگو رفتند. وقتی شاه هنری دوم در ۱۰ تروئیه ۱۵۵۹ در یک مسابقه نیزه‌بازی کشته شد، بسیاری آن را تحقق همان پیشگویی دانستند.

زبان مبهم و شاعرانه نوستراداموس موجب شد هم خودش و هم محتوای پیش‌بینی‌هایش از انتشاد و بدنامی در امان بمانند و همین رازگونه بودن به شهرتش افزود. همان‌طور که تاریخ‌دان دانشگاه آکسفورد، «میشل فغر» نوشته: ستارشناسی و پیش‌گویی در آن دوران میان اشراف رایج بود.

آن زمان، اروپا درگیر تنش‌های مذهبی، بی‌عدالتی اجتماعی و آشوب‌های ناشی از اصلاحات دینی بود، وضعیتی که بسیاری از پیش‌گویی‌ها را باورپذیرتر جلوه می‌داد.

نوستراداموس از سوی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها انتقاد میشد. اما همچنان به پیش‌گویی‌هایش باور داشت. او کتلی بزرگ از پیشگویی‌هایش منتشر کرد و به ناگاشتن ساتله‌ها ادامه داد. حتی پس از آنکه مدتی به‌دلیل انتشار بدون مجوز کلیسا، زندانی شد، او در اول ژوئیه ۱۵۶۶، احتمالاً بر اثر نقرس درگذشت. از آن زمان تاکنون، پیشگویی‌های او موضوع بحث‌های بی‌پایان بوده‌اند.

چه پیش‌گویی‌هایی کردو کدام‌ها واقعاً رخ دادند؟

شهرت نوستراداموس در زمان حیاتش باعث شد بسیاری مرگ شاه هنری دوم زیاد شد. اما دلیل مادگاری او در تاریخ، پیشبینی‌هایی است که بسیاری باور دارند در سال‌های بعد به واقعیت پیوسته‌اند.

شاید جالب‌ترین پیش‌بینی او مربوط به سال ۱۵۵۸ بود: «سنای لندن پادشاه خود را خواهد کشت.» سال ۱۶۴۹، درست همین اتفاق افتاد: چارلز یکم پس از درگیری با پارلمان که به شروع جنگ داخلی در انگلستان انجامید، به اتهام خیانت اعدام شد.

در همان پیش‌گویی آمده بود که لندن در آتش خواهد سوخت و در سال ۱۶۶۶، آتش‌سوزی بزرگی لندن را ویران کرد.

در ادامه، طرفداران نوستراداموس تلاش کردند وقایعی مانند انقلاب فرانسه، ظهور ناپلئون و حتی هیتلر را به پیش‌بینی‌های او نسبت دهند.

اما بسیاری از پیش‌گویی‌های مبهم او هم محقق نشدند و چهره‌های سیاسی گاه آن‌ها را بازتفسیر یا تحریف کردند تا مقاصد خود را پیش ببرند. رهبران رایش سوم مانند گوبلز، پیش‌گویی‌هایی که او را در تبلیغاتشان به کار بردند تا تردید ایجاد کـــرده و به جنگ دامن بزنند. گروه‌های افراطی هم از او بهره بردند.

نوستراداموس همچنین پیش‌بینی کرد به دیدم که جهان به پایان خواهد رسید. هرچند این رویداد هنوز رخ نداده است. او گفته بود در ژوئیه ۱۹۹۹، «پادشاه وحشت از آسمان خواهد آمد». این پیش‌گویی همزمان با ترس‌های ناشی از مشکل Y2K (نگرانی در مورد کار افتادن کامپیوترها در سال ۲۰۰۰) موجب رواج نگرانی‌های آخرالزمانی شد.

نوستراداموس پیش از ۵۰۰ سال پس از مرگش، همچنان الهام‌بخش، سردرگم‌کننده و جذاب باقی مانده است. «شیستین بوود» تاریخ‌دان در «تاریخ‌المعارف هزارگرایی و جنبش‌های هزاره‌ای» می‌نویسد: «پیش‌گویی همچنان امیدها و ترس‌هـــای افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و جهان را شـــکل می‌دهد».